

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

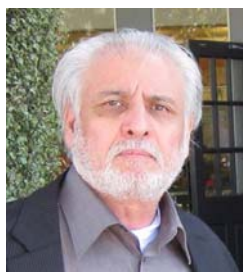
afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید موسی عثمان هستی ناشر و سردبیر ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی ایالت آنتریو کانادا

۲۹ اپریل ۲۰۱۵



کودتای داوود ظهور ۷ و ۸ ثور و آمدن خارجی ها در افغانستان شد

من نه آنم که در شکارگاه کس تازی باشم و یا در دست سیاست مداران آله بازی باشم
نمی خواهم در پهلوی دشمن موازی باشم میخوام سر بلند، و سرفراز یک غازی باشم
"حجرالنسر"

حرفهای بعد از این مقدمه جالب و جالب تر است آقای ملک نطق طلوع نیوز هم بزودی کردار و واقعیت آشکار چشم پوشید
نگفت: در یک تبانی خایانه مجاهدین با دولت نجیب الله به قدرت رسیدند

برنامه سازان تلویزیون طلوع و برنامه سازان دیگر تلویزیونها که منتظر هستند یکی از روزهای تاریخی دردناک
و غیر دردناک را در جنتری افغانستان بخوانند آن وقت برنامه سازان به یاد آنروزها می افتند و در دوریک میزگرد مخالفان
و موافقان را روبه رومی سازند (خایان و وطن پرستان)

در روز شرم آور ۸ ثور برنامه ساز طلوع مردجالبی و لجوجی را به نام آقای حکمی که سنگ سیاه دفاع از مجاهدین را به
سینه دردور آن میز می کوبید از جنایت آشکار مجاهدین در جنگهای تنظیمی کابل غیر منطقی با چشم سفیدی دفاع می کرد.
در برابر اعتراضات زن شجاع و وطن پرست خانم غفار سیلی که با شجاعت گفت: احمدشاه مسعود اسنادخدا را به حمیدگل
رئیس آی اس آی دولت مزدور پاکستان دودسته تقدیم کرد و از آنروز به بعد پیکول کج گذاشت محکمه تاریخ را فراموش کرد
آقای حکمی از این جنایت تاریخی احمدشاه مسعود دفاع نکرد چون واقعیت آشکار بود

حرفهای خانم غفار استوار بر منطق و اسناد بود آقای حکمی سکوت کرد و همچو مورچه زخمی از خط آرد عبور نمود ولی
لجوجانه گفت: نباید از جهاد احمدشاه مسعود انکار کرد احمدشاه مسعود نماد انسان و انسانیت بود! و از جنگهای کابل که احمد
شاه مسعود در حمله به افشار جنایت تاریخی آفرید انکار نمود اما خانم غفار با شهامت گفت: که باید جنایتکاران ۸ و ۹ ثور،
جنایتکاران طالب و حزب دموکراتیک خلق به محکمه کشیده شوند

آقای حکمی واقف بدخشی آن قدر از تاریخ و سیاست موجود بی خبر بود و فضل خدا نگفت: تازمانی که داکتر سیما رئیس حقوق
بشر افغانستان از وجدان خود، از تاریخ و ملیت های افغانستان نشرمد و نام های جنایتکاران را از نگاه مسؤولیت کاری،

انسانی و وجدانی افشاء نکند خصوصاً نام آن جنایتکارانی را که ۵۰ و چند دختر و زن هزاره را بعد از جنگ افشاریه نام غنیمت جنگی با استفاده از قوانین اسلامی به پنجشیر بردند به آنها تجاوز کردند و بعد آنها را بی رحمانه به قتل رسانیدند و آنهایی که کابل را ویران کردند و در این ویرانی و کشتار که سران حزب دموکراتیک خلق با احمدشاه مسعود و گلب الدین یکجا شدند کابل را ویران و مردم کابل را به خون کشیدند باید نام های شان افشاء شود و به دادگاه کشانده شوند این یک اشاره بود به اصل مطلب برمی گردیم تا انسانهای بیخبر هم آگاه شوند.

با آمدن این دوروزپی در پی سیاه بعد از کودتای سردار محمد داود، کودتای ۷ ثور سازش دار و دسته داکتر نجب الله با ستون ششم (مجاهدین) بیش از سی و چند سال در افغانستان شده نقشه های شوم دار و دسته داود، حزب دموکراتیک خلق، مجاهد و طالب را تقبیح می کنم. چیزی به یادم آمد این تقبیح خود را پس می گیرم!! ضرب المثلی در وطن ما است از شهر بر آید از نرخ نبر آید و هم سالها من در نوشته خود گفته ام بدون نقد و پذیرفتن نقد انتقاد از خود ملیت های یک جامعه ملت شده نمی تواند ملیتهای گوسفندی ما از شاعر و نویسنده تا سیاست مدار نه جرأت نقد دارند و نه نقد می پذیرند رهبران احزاب و نویسندگان سرپهلوان کردشالی تفکر پوچ خودشان که آنها را ترس می لرزاند راه دیگری را در پیش گرفته اند به جای این که خود و دیگران را نقد کنند از یک دیگر اسطوره و موجود مقدس ساختند و مجسمه طلائی خیالی رهبران اجتماعی، رهبران قومی و رهبران دینی و مذهبی، آیدالوژی بیگانگان و رهبران آیدالوژی خویش را به حیث اسطوره های خیالی پذیرفته اند پس در این حالت چطور می توان جنایت ها، بی بند و باری های ملیت پرستی، منطقه پرستی، آیدالوژی پرستی ها را تقبیح کنیم به خاطری که تمام ملیت های افغانستان سالهاست در یک سردرگمی قرار دارند و نمی توان اعمال تمام جامعه را که یک تعداد به جاسوسی بیگانگان (دولت ها) و از طرف دیگر ملیت های مظلوم افغانستان در گرو خائنین ملی و بداران جبر و زورشان قرار دارند و این دو عامل عمده به یک فرهنگ مزخرف در جامعه تبدیل شده حس وطن خواهی، انسان و انسانیت و حتی شعار کاذب حفیظ الله امین عدالت، مساوات و قانونیت شنیده نمی شود همه چیز به نام شعار دین و مذهب در کمند دین بسته شده و مانند حادثه فرخنده جنایت می آفرینند و اکثر اعضای مدنی و قانون بشر از قماش جاسوسان حرفه ای در کرسی ها قرار گرفته مثال زنده داکتر سیما دختر خوانده جنرال موسی خان جنرال پاکستانی به صفت مدافع حقوق بشر سالهاست که حرف اول را می زند و از نام دوشهید سرسپرده وطن سوء استفاده می کند روح هردویش شاد (مینا شهید و داکتر فیض احمد شهید). باقی سمندر برادر خوانده داکتر رنگین اسپن تا جاسوس شناخته شده غرب که دیروز این هردو لاف چپ و وطن پرستی را می زدند و امروز هر دو در خدمت امپریالیست بیشم قرار دارند پس اعمال کی را زودتر تقبیح کرد دزد هم می گوید یا خدا و صاحب خانه هم میگوید یا خدا. شکر و نمک مخلوط شده در این جای شک نیست که یک تعداد وطن پرستان به خاطر ۸ و ۹ ثور سرو صدارا در خیابانها به راه انداختند رهبران هردو حادثه شوم (۸ و ۹ ثور) و اعمال جاسوسان آشکار و پست پرده را تقبیح کردند

از جنایت شرم آوری که تاریخ نذیرش را ندیده به نام سنگسار زنده یاد شهید فرخنده با سوء استفاده از دین و مذهب صورت گرفت نه تنها ما که جهان را به لرزه در آورد عوض این که ماملیت های افغانستان از بی کفایتی پولیس و مداخله دین و مذهب پرستان کودن که نه از خدا خبر هستند و نه از قرآن، و دین را در حدیث های ساختگی خلاصه کردند ولی عوض این که از جنایت بی سابقه به نام سنگسار پند می گرفتیم ما پندنگر فتن این جنایت حتی در وجود دولت های دینی و مذهبی لرزه در آورد چنانکه بعد از این حادثه آخوند های مذهبی ایران که سالها حرف اول سنگساری زدند متوجه شدند که پولیس نباید در یک جامعه مذهبی در جنایت های مذهبی خاموش و دست به الاشه در برابر جنایت کاران تحت چتر مذهب و دین خاموش بنشینند

آخوند روحانی رئیس جمهور ایران بعد از حادثه جنایت بار قتل زنده یاد فرخنده متوجه شد که سکوت پولیس به خاطر دین و مذهب جنایت بی سابقه آفرید (حسن روحانی، رئیس جمهور ایران در جمع فرماندهان ارشد پولیس گفته است "پولیس

موظف به اجرای اسلام نیست بلکه وظیفه پولیس اجرای قانون است و اگر غیر از این باشد، درمخمسه فکری قرار گرفته و مردم رانیز گرفتار خواهیم ساخت)

نمی دانم درد های سی وچندساله راجطور ابراز نمایم هنوز ملیتهای گوسفندی افغانستان بار خودخواهی، یکه تازی جاسوسان زورمند را عوض آن که تقبیح کنند به شانه خود آگاهانه یا غیر آگاهانه و یا تحت یک فشار حمل میکنند چه وقت این ملیت های افغانستان از خواب اصحاب کھف مانند بیداری شوند.

ردالت هاو خودخواهی های داوود و اطرافیان داوود، حزب دموکراتیک خلق (پرچم و خلق) رهبران مجاهد مزدور سرسپرده آی اس آی ، طالب مزدور بیگانگان چپ طالبان نامعامل اصلی این نابسامانی درسی وچندساله در افغانستان شدند که سرانجام به گفته سیدیوسف عثمان که انگلیس هاقرار داد انتر کان تیننل گرفتند در یک شعر طویل نوشت چراغ میخوری آغامی می آید/ به ما گندم ز امریکا می آید جناب انگلیس بامیلمه پال اش/ همان دشمن قدیم مامی آید/ چپ طالبان نما سبب جابه جا شدن مهره ناشناخته مثل (حامد کرزی) شد و سبب دومزدور سرسپرده غنی و عبدالله (غ) توسط (کری) گردید

شنیده بودیم نوکرنو سرسپرده آهواره نفع بادارانش به دو می گیر دماوشما دیدیم عجله ع و غ در قرارداد امنیتی با امریکا و با همدستی پارلمان نابکار بدون عواقب آن به امضاء رسید من در همان وقت گفته بودم و بارها نوشتم که این قرارداد برای صلح و دفاع از جان و ناموس افغانستان نیست بلکه رسیدن به هدف های طویل المدت در منطقه امریکا است نباید مادت سیاسی خود را زیرسنگ توسعه طلبان استعمار نوین قرار دهیم و تاهنگ خرقیامت رنج و زجر این قرارداد را بکشیم.

آری ردالت های داوود و اطرافیان داوود، حزب دموکراتیک خلق (پرچم و خلق) رهبران مجاهد مزدور سرسپرده آی اس آی ، طالب مزدور بیگانگان به خاطر رسیدن به هدف سالها فریب پاکستان خوردند که سبب حمله طالبان در تمام ولایت افغانستان امروز شده و ۹ گروه مزدور و مفت خور جاسوس به شمول حزب مزدور سرسپرده بیگانگان به سرگردگی گلب الدین حکمتیار که از طرف بیگانگان تمویل می شوند دست به حمله و کشتار ملیت های بی دفاع افغانستان زده اند و می زنند کجا شد آن قرارداد امنیتی غرب و امریکا که امروز مملکت و مردم در خون ، آتش و خاکستر هر روز فریاد نجات می کشند و مسؤولیت این ناعاقبت اندیشی هاراکی امروز و فردا به دوش می کشد؟ و یا این مملکت بی صاحب است ؟ هر کس دایره خود می زند و بیت جانانگم رامی خواند

به گفته پیتونشینان وطن ما هر کی می آید تیل خوده میکند و خود آرام می سازد و خاینین بدانند که این سرزمین امروز جنگ را تجربه نمی کند از پنجهزار سال به این طرف مورد تهاجم بیگانگان و جاسوسان داخلی و خارجی قرار گرفته و همه مهاجمین یاکشته شده و یا سرافکنده برگشته. جای افسوس است که زمامداران قبیله ئی و غیر قبیله ئی افغانستان در طول تاریخ از سرنوشت شاه شجاع درانی پند گرفتند که در برابر جاسوسان و وطن فروشان و بیگانگان نه به نام افغان، ازبک ، ترک ، پشه ئی ، تاجک ، هزاره و غیره و غیره برای نجات وطن به تنهایی در برابر دشمنان و جاسوسان داخلی و خارجی جنگیده اند و از وطن و ناموس خود نه زیر چتر ملیت، زیر چتر انسان و انسانیت دفاع مقدس رابه راه انداخته اند و سرزمین افغانستان را به گورستان اجنبی تبدیل کرده اند گورستان گوره ها در کابل نمایندگی از دفاع مقدس این ملیت های با شهامت افغانستان می کند خاینین یک بار به قبرستان گوره هاسر بزنند

این که هر روز به نام القاعد، جهاد النصر، داعش ، طالب به نام این و آن در هر گوشه جهان می رزمند و خون مظلومان بی دفاع را می ریزند سرمایه مادی و معنوی انسان را در هر گوشه جهان، زن و دختر مردم به نام غنیمت جنگی می برند، همه می دانند مقصرجنایت شرم آور به نام دین و مذهب این گروه های امپریالیست شرق و غرب خصوصاً عرب ارتجاعی مرتجعان چلتار و کون لچ و آی اس آی پیراهن و تنبان باریش کثافت باواستک چرکین زیر نام دین و مذهب خورجین جنایتکاران را با سلاح و پول پُرمی سازند در وطن ما این مارها را باماران آستین (جاسوسان داخلی یا ستون ششم که فرق

ستون ششم وستون پنجم چندسال قبل در یک مقاله تشریح کرده ام) جاسوسان ستون پنجم مخفی در دولت سر اقتدار نفوذ می کنند و جاسوسان ستون ششم هر فرد ملیت های افغانستان می شناسند که با چشم سفیدی آشکار در درون دولت به دشمنان جاسوسی می کنند، زورگویی می نمایند، رهبر مافیای اختطاف هستند دست در قاقاق پول و هیروئین دارند در کشتار و سوسایت بم دست دارند و در لباس دین و مذهب عمل میکنند ستون پنجم تنها جاسوسان مخفی در دولت بوده صفات ستون ششم را ندارند بهترین مثال ستون ششم شورای نظار هست که تمام اسناد خاد را به مشوره رهبران مجاهدیه حمیدگل خاین رئیس آی اس آی تسلیم نمود با این کار نه تنها کمربند دموکراتیک خلق و روس را شکست کمردولت ظاهر داوود شگستاند و افشاء ساخت

خاد ادامه ضبط احوالات زمان شاه ، مصونیت ملی داوود، اکسای تره کی ، کام حفیظ الله امین وستون فقرات خاد داکتر نجیب الله را آگاهانه به نفع بادران خود شگستندارد و پولیس کارکشته وطن را از بین بردند در حالی که پولیس، اردو، دستگاه جاسوسی یک دولت ستون فقرات دولت هابی باشد هرگاه یک فقره ستون جاسوسی یک مملکت میشکند ستونهای قبلی و بعدی را به خطر مواجه می سازد

به ظاهر دولت پاکستان در جنایت در حق مردم افغانستان عامل مادر دارد در حالیکه عامل مادر در عقب جنایت های پاکستان قرار دارد و سالانه میلیون ها دلار برای کشتار و ویرانی وطن ما از جیب خود مخرج میکنند مردم خوش باور و متدین ما به نام رکن پنج مسلمانی در دامن دشمنان افغانستان به نام فرایض حج پول های وطنداران ما را در دامن کون لچان عرب می ریزند و آن دالر ها دوباره بلای جان ملیت های افغانستان از طریق دولت پاکستان می گردد و در جنگهای نیابی به مصرف می رسد و سرچشمه این نابسامانی ها از مزدور شدن سردار محمد داوود در دوران صدارتش به روس و بنیان گذاری حزب دموکراتیک خلق تادولت وحدت ملی دست نشانده های (کری) گردیده است.

طالب ، کرزی، غنی ، عبدالله ۸ و ۷ ثور عصاره معده سیاسی سردار داوود بوده که به استقراغ ملیت های دیر فهم افغانستان تبدیل شده اند حثیت سیاسی ، مذهبی و اجتماعی خود را روز بروز در بین ملیت های افغانستان رهبران جاسوس به نام رهبران افغانستان از دست میدهند

جنایتکاران داخلی در تلاش این هستند که بیشتر در دامن جنایت کاران بین المللی قرار بگیرند و سبب بدبختی های ملیت های افغانستان شوند و تازمانی که داکتر سیما رئیس حقوق بشر افغانستان باشد کسی جرأت افشای نام جنایت جاسوسان ، سران جهادی ، طالبی و حزب دموکراتیک خلق را ندارند و ملیت های مظلوم افغانستان در آتش تنوری پرسی میسوزند و فریاد میکشند و خائنین تماشاگر می باشند داکتر سیما رئیس حقوق بشر افغانستان بدانکه همان طوریکه حمایه گران حزب دموکراتیک خلق ، مجاهد، طالب، و کرزی مزدوران خود را کون لچ از صحنه سیاست دور کردند و تفاله ساختند روزی داکتر سیما را که از افشای نام جنایتکاران خودداری میکند به سر نوشت دیگر جاسوسان قرار میگیرد این نه خیالست نه محالست نه جنونست به تجربه ثابت شده

و ملیت های افغانستان از مجبوری میگویند

تاچه وقت خاک این وطن به تویره بادکنید وطن ویران و مردمانش تابه کی بر بادکنید

چون چاره ندارند که بیشتر ناله و فریاد کنند قفسش را به صیاد دهد و غمش زیاد کنید

تاروژی برسد بگیرند انتقام خواخر بی دم حق دارید که اطاعت از انگلیس لارد کنید

میتوانید که خاک وطن به تویره بر بادکنید مظلوم را بکشید، باجنایت دل خود شادکنید

با خبریاش سران طالب مجاهد پرچم و خلق روزی رسد در آگاه خلق از خود انتقادکنید

شاعری وزن و بیت را زو

به خاطری که تندی و تلخی نوشته بالا کمی فکر خواننده را مکدر میکند به خاطری که لحظه ای شادمانید توجه شمارا به نوشته زیر معطوف می سازم در قضاوت هر خواننده عقل صدوزیر دار و آزاد است کسی حق ندارد که در قضاوت شما زبان دراز کند و بگوید در سراسر ادبی فهم شما خال است

اگر کمی و کاستی از نگاه قوانین ادبی در شعر بالا و دیگر شعرهای من می بینید این روش ادبی من را کاروان شعرتورنتوبه نام سبک خاص بین سبک کهن و نو خوانده اند چون از طرف یک مرجع ادبی!! صد درصد به نام سبک هستی تأیید شده حالا دوستان دیگر از این سبک پیروی میکنند با وجودیکه به قوانین کهن و نو ادبی احترام دارم نزد قوانین شعری آنقدر مطرح نیست پیام شعر و جالب بودن شعر مطرح است شاعران افغان و ایرانی از سبک شعری من پیروی میکنند و آقای رضا براهنی که استاد بزرگ ادبی زبان فارسی در سرتاسر دنیا است در شهر مازندگی میکند میگوید هر حرفی که از زبان شما می برآید شعر است سبک هستی هم یک سبک جدید و به خصوص خود است به بادی چه کار دارید کش ببینید زنده باد دکتر صاحب رضا براهنی که در شهر مایک غنیمت است و دوام دار باد محفل کاروان شعرتورنتو که مردمان قانع دور هم جمع شده اند از ۳۹ نفر زیاد نمی شوند شماره ۳۹ شماره افراد است نه شمار هروی دروازه که خواننده تعبیر غلط نکند و شاعران شهر ما را از افراد سرچوک کابل حساب کنند

آفرین به من هم بگوید که من توانسته ام در شهر ماسر هژدها رهای شعر سبک هستی را قبولانده ام از گزند نقد سالم و غیر سالم دور قرار گرفته ام اختیار به خوانندگان این قلم که واقعیت این آگاهی را می پذیرند یا یک طنزی و شوخی ادبی بابزرگان شاعران نو و کهن شهر مای پندارند

اگر این شعر بالا را میخوانید نقد کنید خواهش من این است که شعر مرا به دور ناف ادبی لطفاً نچرخانید که به من وبه شما نخبگان شعر به گفته برنامه ساز توانمند تلویزیون آریایی در افغانستان آقای میرزائی در دسر خلق میکند اگر من جواب نقد شما را داده نتوانم نخبگان کاروان شعرتورنتو جواب میدهند بهتر است سکوت کنید و مانند سقراط جام زهر ادبی را بالا کنید و بگوئید زنده باد سبک هستی و بنوشید تا در تاریخ نام شما مانند سقراط فیلسوف یونان بماند تنها خواهش من این است که چکش نقد به دست بگیرید و بر سر سبک ادبی میخ قلم بکوبید از گوشه‌های ، پس گویی و غیبت که روش نامردانه است و تبصره های شفاهی لطفاً خودداری کنید که دیوارها موش دارد و موش ها گوش و هم به آقای جلال نورانی بگوئید این نوشته طنز است یا یکی از خصیه های آقای جلالی برنامه ساز طنزی تلویزیونی است که طنز را در طومار دریوری از کابل تا مزار پیچید و مورد تشویق امیر بلخ معلم عطا محمد خان مزاری بگویم استالفی بگویم قرار نگرفت شاید کسی در دل خود بگوید به توبی عقل چه که جلالی مورد تشویق سلطان مزار واقع شد یا نشد بروکا کا شعله خود بخور و پرده خوده بکن. تو چندتکی شهر هستی که از عقل خود بالا حرف می زنی به گفته مولانا فلان دیدی و دبه کدور اندیدی کجا کاری کند عاقل که باز آید پیشمانی از بدبترش توبه از دم خرس توبه از دولت (عغ) توبه